

از کهن الگوهایی که مقدم دوست و نعمت...
در وضعیت سفید به کار گرفته اند، غافل نشوید.
ظرافتی که حاصل تسلط و مراوده همیشگی آنها با
شعر و ادبیات کلاسیک ایران است

چرا «وضعیت سفید» یکی از بهترین سریال های تاریخ تلویزیون است؟

دنیای دیوانه گلکارها



چند فریم از پشت صحنه

جنگ در عبدالآباد

يك بار مجید اسلامی، منتقد برجسته سینما از حمید نعمت... درباره ظرافت های مثال زدنی «وضعیت سفید» در گسترش داستان، شخصیت پردازی، دیالوگ نویسی، میزانشن و تصویر پرسیده بود و او جواب داده بود «پرکار»ی برایش مهم

علی سیف الهی
روزنامه نگار

است. او در تعریف «هنر پرکار» گفته بود شبیه نقاشی هایی است که روزگاری در موزه هنرهای معاصر دیده بود که زیرش نوشته بود: «چهل چهره». در این چهل چهره ها خوب که بگردید پر از چهره است. در آسمان و لای سنگ ها و بعد می بینید موی این شخصیت تبدیل شده به سربك آهو و سم آهو تبدیل شده به کلاه شاهزاده. می گفت این طور کار با حوصله نسبت جدی دارد. وضعیت سفید يك «چهل چهره» کامل است. يك هنر پرکار کم نظیر در تاریخ هنر معاصر ایران. شاید اگر وضعیت سفید يك فیلم سینمایی بود، حمید نعمت... و هادی مقدم دوست بیشتر قدر می دیدند، اما آنها هیچ وقت ناراضی نبوده اند. چون خوب می دانند حتی «هزار داستان» هم زمان خودش تحویل گرفته نشد و بالاخره زمان مژده اثر را می دهد.

بیا بید خط اصلی قصه وضعیت سفید را مرور کنیم؛ گروهی از مردم در روزهای موشك باران جنگ خانه هایشان را ترك می کنند و به خانه و باغی در بیرون شهر می روند. مثل روزهای دهه ۶۰ که گروهی هم که باغی نداشتند، با ماشین هایشان در جاده می ماندند و شب را بیرون شهر می گذرانند. زاویه متفاوتی برای نگاه به حال و هوای آن روزها که پیش از این کمتر کسی سراغش رفته بود. به قول مقدم دوست، يك موقعیت آنتیک! پدیده ای که این روزها کمتر دیده می شود.

برگ برنده وضعیت سفید پرداخت دقیق و پررنگ جزئیات است. نگاهی ظریف به نشانه های دوران زندگی و جنگ در دهه ۶۰. لباس، زبان، معماری داخلی و خارجی و اشیاء فقط نموده های بیرونی و ظاهری این پرداخت هستند. روحیه، واکنش ها و رفتار شخصیت های «وضعیت سفید» هم متأثر از این جزئی نگری دیوانه وار و جذاب نعمت... و مقدم دوست است. برای همین است که با تماشای هر پلان احساس می کنیم شاهد صحنه هایی جاندار هستیم. شاهد يك جاه طلبی باشکوه و بی پایان.

حمید نعمت... همیشه اعتقاد دارد هر فیلمی يك کلید دارد. او برای کارگردانی يك اثر همواره دنبال این می گردد که این کار باید چه شکلی باشد؛ شلخته باشد، مدرن باشد، کلاسیک باشد یا ... در وضعیت سفید کلید این زیبایی شناسی، قاب های تمیز و شکیل است. حرکت های طولانی دوربین که فضای چشم نوازی را نمایش می دهند. فقط کافی است قاب آتش زدن ساختمان نیمه کاره وسط باغ را به یاد بیاورید که بهروز در چارچوب يك پنجره نیمه کاره ایستاده، شعله آتش دست گرفته و با آن شمایل خاص همیشگی اش نعره می زند. حمید نعمت... يك خوشنویس درجه يك است. او علاوه بر خوشنویسی حرفه ای، سابقه عکاسی و صفحه آرایی هم دارد. يك مواجهه همیشگی با هنر و گرافیک که باعث شده کادرها و قاب ها در نگاه او اهمیت و جذابیت زیادی داشته باشند. به همین دلیل ترکیب بندی ها و صفحه بندی های یگانه ای در وضعیت سفید خلق شده که تا سال ها آنها را از یاد نمی برید. مثل صحنه ای که در خیال امیر، شیرین در پیش زمینه دارد مرغ عشق ها را نوازش می کند و امیر آن پایین روی زمین دراز کشیده و دارد با او حرف می زند.

به حیوان های وضعیت سفید دقت کرده اید؟ لحظه ای از خیالتان نگذرد که نعمت... این حیوان ها را بی منظور در کارش راه داده. او از همین غازها و اردک ها و خر و گربه و سگ ها هم برای زیباتر کردن ترکیب بندی نمایش بهره برده، هم به قول خودش کار را به طبیعت مربوط کرده است. تمثیلی از همزیستی مسالمت آمیز با همدیگر که اوجش می تواند همزیستی با حیوانات باشد. مثل حکایت های مثنوی و ادبیات بومی و کلاسیک ایران که به اثر حال و هوایی ایرانی می دهند و سریال را پویا می کنند. ایستایی در وضعیت سفید راهی ندارد و همیشه در پیش زمینه یا پس زمینه حیوان یا آدمی وجود دارد که ایستایی را از بین می برد. يك خلاقیت کم نظیر و همیشگی در کارگردانی های حمید نعمت....

به ترکیب بازیگران وضعیت سفید دقت کنید؛ تلفیقی از ستاره های سینما و تلویزیون و بازیگرانی که تا پیش از این اسمشان را هم نشنیده بودید. ترکیبی از افسانه بايگان و ابوالفضل پورعرب که دو دهه ستاره بوده اند و یونس و عباس غزالی که وضعیت سفید را با بازی های تماشایی آنها به یاد می آوریم. هم بازیگرهای باتجربه ای مثل بايگان و عزت... مهرآوران خوش درخشیده اند، هم بازیگرانی مثل مونا احمدی به چشم آمده اند.

از کهن الگوهایی که مقدم دوست و نعمت... در وضعیت سفید به کار گرفته اند، غافل نشوید. ظرافتی که حاصل تسلط و مراوده همیشگی آنها با شعر و ادبیات کلاسیک ایران است. فقط کافی است نگاه کنید به مساله عشق و رابطه امیر و شیرین. شیرین دقیقا همان معشوقه جفاکار ادبیات کهن ایران است. يك عشق شرقی که بیشتر در خیال جریان دارد تا در واقعیت. حتی در طراحی شخصیت شیرین، نیم نگاهی هم به شخصیت استلای «آرزوهای بزرگ» دیکتر داشته اند. دختری دست نیافتنی. شیرین در واقعیت و خیال به عاشق بی توجهی می کند و همین بی اعتنايي هاست که باعث بیشتر دست و پا زدن امیر و کارهای عجیب و غریبش می شود. باعث جنونی که از او «امیر دیوانه» می سازد. فقط کافی است نگاه کنید به مکالمه های او با آتن از اتاق آهنی که برای او حکم گفت و گو با شیرین را دارد. این دیوانه بازی های بی پایان جذاب نیست؟ انگار نعمت... برای هر تکه از این هنر پرکارش ایده داشته. برای بازیگری، میزانشن، موسیقی، شخصیت پردازی و... انگار نعمت... در وضعیت سفید قالی بافته؛ يك قالی خوش نقش و نگار که ذوق و ظرافت در همه اجزایش پیدا است.



در قسمت های باقیمانده از وضعیت سفید به صحنه بندی های چند لایه شخصیت ها دقت کنید. وقتی دو بازیگر در جلوی صحنه مشغول بازی هستند، حتما آن پشت يك ماجرا و اتفاقی در حال جریان است. فضای واقعه گرایانه ای که سینمای امیر کاستاریکا و فلینی را به یاد می آورد. این راهبرد نعمت... باعث به وجود آمدن صحنه بندی های جذاب و بدیعی شده که در زیبایی شناسی کارهای تلویزیونی کمتر سراغ داریم. عمق میدان های تماشایی که در هر لایه اتفاقی جذاب در جریان است. اتفاقی که نعمت... حس و حال آن را مدیون سینمای علی حاتمی می داند.